

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکساندر مارکو دل پونت
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۲۶ فبروری ۲۰۲۵

آنها سایه ها را ترویج کردند و تاریکی آنها را می بلعد



در اوکراین پنجره‌ای از فرصت برای صلح گشوده شده است، فارغ از این که نتیجه نهایی آن چه خواهد بود. از نظر تئوری، بشریت باید از چنین ابتکاری حمایت کند. با این حال، خلاف خرد و حفظ نژاد انسان، اتحادیه اروپا به حامی جنگ تبدیل شده است، گوئی به کسانی که باید آن را هدایت کنند، گوش نمی‌دهد. راننده تعیین‌شده تغییر کرده و با آن، نقشه مسیر نیز تغییر یافته است.

این روایت جدید امریکائی‌ها در مورد اوکراین تنها در یک ماه بشدت تغییر کرد. آنها از ستایش ولودیمیر زلنسکی به عنوان «رهبری قاطع، مدافع ارزش‌های دموکراتیک که برای کشورش و تمام جهان متمدن، برای آزادی ما می‌جنگد»، به برچسب‌زدن او به عنوان «دلقک»، «دیکتاتور»، «قاتل» و «پادشاه دیوانه» رسیدند. این تغییر نه تنها بی‌ثباتی سیاست خارجی امریکا را نشان می‌دهد، بلکه پیامدهای عمیق مذاکرات بین امریکا و روسیه را برای توازن جهانی، اروپائی و آسیائی نیز آشکار می‌سازد.

مذاکرات بین امریکا و روسیه صرفاً یک بی‌اعتنائی به اروپا نیست. در حالی که این دو کشور پس از صحبت‌ها در عربستان سعودی به سمت یک راه‌حل احتمالی پیش می‌روند، قدرت‌های منطقه‌ای از بیجینگ تا دهلی نو و از جاپان تا بریتانیا باید با احتیاط ستراتیژی‌های خود را بازنگری کنند و هم فرصت‌ها و هم خطرات را در نظر بگیرند.

برای چین، هر توافق دیپلماتیکی از منظر بلندپروازی‌های ژئوپلیتیک خودش تحلیل خواهد شد. بیجینگ در طول جنگ تعادل ظریفی را حفظ کرده است. یک توافق صلح می‌تواند گسترش ابتکار کمربند و جاده و بازسازی اوکراین را تسریع

کند و به چین اجازه دهد تا نفوذ خود در اروپا را عمیق‌تر کند و در عین حال محدودیت‌های همسویی خود با روسیه را آزمایش کند. علاوه بر این، پایان جنگ به چین اجازه می‌دهد تا موضع خود در مورد تایوان را بازنگری کند، به ویژه اگر واشنگتن توجه خود را دوباره به منطقه هندو-پاسیفیک معطوف کند.

هند نیز بازی پیچیده‌ای از انعطاف دیپلماتیک را انجام داده است، با حفظ روابط تجاری با روسیه در حالی که رابطه‌ی ستراتیژیک خود با آمریکا و اسرائیل را از طریق کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) حفظ می‌کند. یک توافق پس از جنگ دهلی نو را مجبور می‌کند تا سیاست‌های انرژی خود را بازنگری کند، زیرا این کشور در طول جنگ به نفت روسیه با قیمت‌های کاهش‌یافته وابسته بوده است. اگر روابط تجاری بین روسیه و غرب عادی شود، هند ممکن است دسترسی ممتاز خود به این منابع را از دست بدهد.

جاپان و کوریای جنوبی، متحدان بی‌قید و شرط آمریکا، موضع سختی علیه روسیه اتخاذ کرده‌اند، تحریم‌ها را اعمال کرده و حمایت مادی از اوکراین ارائه داده‌اند. با این حال، اگر واشنگتن و مسکو به یک توافق دیپلماتیک برسند، توکیو و سئول با یک بازآرایی پیچیده مواجه خواهند شد. آنها به دنبال تضمین‌هایی خواهند بود که هرگونه نزدیکی به پوتین به موضع‌های نرم‌تر در برابر تهدیدات منطقه‌ای مانند بلندپروازی‌های هسته‌ای کوریای شمالی و ادعاهای ارضی چین در بحیرة جنوبی چین منجر نشود.

پیش از پرداختن به مشکلات اتحادیه اروپا، ضروری است که به سودهای کلانی که آمریکا در صورت تحقق پروژه پیشنهادی ترمپ برای اوکراین به دست می‌آورد، اشاره کنیم. مدت‌ها است که استدلال کرده‌ایم که هزینه‌فایده جنگ برای واشنگتن بسیار مثبت بوده است. پیش‌نویس قراردادی که رئیس‌جمهور آمریکا به کیف ارائه کرده است، اوکراین را برای سال‌های آینده به یک مستعمره اقتصادی برای آمریکا تبدیل می‌کند.

این پروژه تنها به کنترل آمریکا بر مواد معدنی حیاتی این کشور محدود نمی‌شود، بلکه همه چیز از بنادر و زیرساخت‌ها تا نفت، گاز و مواد معدنی کمیاب را در بر می‌گیرد. آمریکا که ۳۰۰ میلیارد دلار در اوکراین سرمایه‌گذاری کرده است، ۵۰٪ از درآمدهای حاصل از استخراج منابع و مجوزهای صادر شده به اشخاص ثالث را به خود اختصاص می‌دهد. علاوه بر این، این کشور دارای «حق تقدم» برای خرید مواد معدنی صادراتی خواهد بود و هرگونه اختلاف را تحت قانون نیویورک حل و فصل خواهد کرد، در حالی که اوکراین از مصونیت حاکمیتی خود صرف‌نظر می‌کند.

این توافق، در صورت پذیرش، سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی اوکراین را نسبت به غرامت‌های تحمیل شده به المان در معاهده ورسای نشان می‌دهد. همان‌طور که رؤسای جمهور ارجنتاین، نیکلاس اولاندا و خاویر میلی گفتند:

«اول بدهی‌هایمان را بپردازید و بعد به فکر تغذیه فرزندانتان باشید.»

از زمان به قدرت رسیدن دونالد ترمپ، بازی جدیدی آغاز شده است که نگرانی‌ها را درباره آینده رابطه فراتلانتیکی افزایش داده است. در طول کمپین انتخاباتی ۲۰۲۴ خود، ترمپ به وضوح بیان کرد که از متحدان اروپایی که به اندازه کافی برای دفاع هزینه نمی‌کنند، حمایت نخواهد کرد. سومنترامیترا، مشاور ترمپ، مدلی از ناتوی «خفته» را پیشنهاد کرد که در آن تعهد آمریکا به اروپا کاهش می‌یابد و تنها در زمان بحران فعال می‌شود.

این سناریو برای اتحادیه اروپا به اندازه یک حمله هسته‌ای روسیه بی‌ثبات‌کننده خواهد بود. در واقع، مؤسسه مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا از این امکان برای تحت فشار قرار دادن اروپا به منظور تأمین مالی خرید سلاح‌های امریکائی استفاده کرده است، که نشان می‌دهد تنها هدف اروپا برآورده کردن خواسته‌های واشنگتن است.

سیاست امریکا در اروپا می‌تواند دو شکل اصلی به خود بگیرد. در سناریوی اول، امریکا از تهدید ترک به عنوان اهرمی برای فشار بر کشورهای اروپایی جهت افزایش هزینه‌های دفاعی خود استفاده می‌کند، با اولویت دادن به دارایی‌ها و سلاح‌های امریکائی. این رویکرد معامله‌گرانه می‌تواند به دوجانبه‌سازی روابط در زمینه دفاع منجر شود، جایی که امریکا مستقیماً با کشورهای فردی یا گروه‌های کوچک مذاکره می‌کند.

در سناریوی دوم، امریکا به دنبال یک عقب‌نشینی ستراتیژیک از اروپا برای اولویت‌دادن به دیگر صحنه‌های عملیاتی، مانند منطقه هندو-پاسیفیک است. این رویکرد شامل انتقال دارایی‌های نظامی و توانائی‌های فرماندهی و کنترل از اروپا به خارج از آن خواهد بود، و اروپائی‌ها را مسؤول درگیری‌های منطقه‌ای، مانند جنگ در اوکراین، خواهد گذاشت.

در واقعیت، احتمالاً سیاست امریکا ترکیبی از هر دو سناریو خواهد بود. یک عامل کلیدی برای ماندگاری هر توافقی، تعیین واضح مزایای پایبندی و هزینه‌های نقض مفاد توافق‌شده خواهد بود. تعلیق مشروط تحریم‌های خاص، به جای حذف بی‌قید و شرط آنها، می‌تواند یک ابزار مؤثر باشد.

یک مثال می‌تواند مربوط به تحریم‌ها، و به ویژه مصادره ۳۰۰ میلیارد دلار دارائی‌های روسیه در اتحادیه اروپا و امریکا باشد. دستیابی به توافقی در مورد این دارائی‌ها که بخشی از یک صندوق بین‌المللی برای بازسازی اوکراین شوند، از اثر بازدارنده‌ای که مصادره یکجانبه بر سرمایه‌گذاران بین‌المللی می‌گذارد، جلوگیری می‌کند. استفاده از این وجوه که قبلاً خرج شده‌اند، حداقل سود آنها، مشکلی خواهد بود، اما احتمالاً این امکان ارائه خواهد شد که بخشی از این وجوه به مناطق تحت کنترل روسیه اختصاص یابد.

جنگ در اوکراین محدودیت‌های اروپا را آشکار کرده است. اروپائی که صنایع آن قادر به تولید حجم بالای تسلیحات و مهمات لازم برای یک جنگ پایدار نیست، و فاقد توانائی‌های لجستیک و رهبری نظامی یکپارچه است، نمی‌تواند یک دارائی ستراتیژیک برای امریکا باشد. با این حال، کمیسیون اروپا پیشنهاد می‌کند که هزینه‌های دفاعی از قوانین محدودکننده کسری بودجه معاف شوند، که نشان می‌دهد اروپا حاضر است صنایع جنگی امریکا را تأمین مالی کند. در نهایت، یک بانک تسلیحاتی گزینه خواهد بود. به نظر می‌رسد اروپا حاضر است استقلال ستراتیژیک خود را فدا کند تا خواسته‌های واشنگتن را برآورده سازد. سؤالی که باقی می‌ماند این است: به چه قیمتی؟

[۲۵ فبروری ۲۰۲۵](#)